

علوی

بنام خداوند جان و خرد

پایه:

موضوع:

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

هدف:

پروین زن پاکیزه‌ای است. او آشپز است. او پیاز پوست می‌کند و سوپ می‌پزد.

پیمان برادر پروین است. او در بیمارستان پرستار است و روپوش سفید می‌پوشد.

پرینا زن پیمان، پزشک است. او بیماران را درمان می‌کند. آنان شام با پروین بودند. پروین برای پیمان و پرینا پیتزا درست کرد. پرینا برای پروین پشک و کیمپوت آورد.

پدر پرینا مردی پیر است. او در پاکستان پسته و پنبه می‌کارد. مادر پرینا پیرزنی بیمار است.

پرینا برای او دارو می‌آورد. در پاییز سرده او زیر پتوی پشمی است. او آرزو دارد برای پیاده‌روی به پارک برود تا پرواز پرنده، پرستو، پروانه را ببیند.



بازخورد:

